



ملیحه ابراهیمی‌یزدی | به دنبال رشد جمعیت، نیازها نیز افزایش می‌یابد و آنچه ممکن است به ریشه‌های یک جامعه ضربه جدی وارد کند، پایین ماندن سطح آگاهی عمومی است. آموزش‌هایی از قبیل مهارت‌زدنگی، کاهش استرس، سبک‌زدنگی، خودکنترلی، شناخت هوش هیجانی و... به بالا رفتن این آگاهی کمک خواهد کرد. این چند خط مقدمه‌های بودا وارد بحث اصلی این شماره هوشیم. پیشنهاد امروز ما توجه به موضوع «ایمنی» است. مسئله‌ای که با چاپ چند بروشور و چند ساعت نفر آموزش‌تئوری و... قابل کنترل نیست و بی‌توجهی به آن عواقب مالی و جانی را به دنبال دارد. خواندن و شنیدن حوادث گوناگون گواهی بر این ادعاست.

قبول کنیم که هنوز نگرش نوین به مقوله ایمنی نتوانسته در رقابت با نگرش سنتی پیروز میدان شود، اما تا زمانی که شرایط و محیط‌هایی که رابطه مستقیم با رعایت ایمنی دارند به روش سنتی ادامه کار به‌دنبال منتظر آزمون و خطا‌هایی بود که خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. شاید اگر انگشت اتهام را به سمت بی‌توجهی به تأسیسات صنعتی دراز کنیم بی‌راه‌نگفته باشیم که این موضوع تمایز کشورهای جهان سوم با کشورهای پیشرفته را شامل می‌شود.

از تأثیرات آشکار و پنهان اقتصاد بر لایه‌های یک جامعه نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. اقتصاد بیمار، این روزهای کشورمان باعث شده است تا در نگاه ساده، ایمنی زیر بار تحریم‌ها کمر خم کند. توسعه صنعت مستلزم به روز بودن و هم‌گام شدن با تکنولوژی روز دنیاست که متأسفانه در قسمتی از این مهم چراغ خاموش به کارمان ادامه می‌دهیم.

تا زمانی که مدیری به این درک نرسد که نیروی کار، سرمایه‌ملی هر کشوری به شمار می‌آید و نقش بزرگی در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد، نمی‌توانیم ادعا کنیم که طبق چهارچوب و اصول کار را پیش می‌بریم. این مهم با افزایش تعهد کارفرمایان و مدیران نسبت به کارکنان خود شکل می‌گیرد. نه این‌شکل‌گیری باید بر پایه رعایت مقررات پیش‌رود تا کمترین آسیب‌رانه نیروی کار وارد کند. توجه: طبق استاندارد‌های جهانی هر حادثه‌ای که منجر به فوت نیروی کار در جامعه شود یک میلیارد تومان به اقتصاد هر کشوری ضرور وارد می‌کند.

برای آموزش اصول و مقررات ایمنی نباید به گزارش کاری که تنها یک عدد مشخص رابه تعدادی از افراد در یک اتاق سه‌درچهارآموزش داده‌است، پایه‌توزیع تراکت و بروشورهایی در بین شهروندان اکتفا کرد. آموزش باید ارتباط تنگاتنگی را با دستورالعمل‌هایی که هر سازمان، کارگاه و یا هر محیطی که مستلزم رعایت اصول ایمنی است برقرار کند؛ نه آنکه تنها یک قاب منقش باشد که روی دیوار هر محیط کاری نصب شده‌است.

شناخت بسترهای حادثه‌ساز و تلاش برای اصلاح یا حذف آن از دیگر کارهایی است که به داشتن یک جامعه ایمن کمک می‌کند. یادآوری خطر به طور مستمر باید شرایط اصلاح بسترها را مهیا کند، نه آنکه باعث شود زیرساخت‌ها بوروکراسی، دائم به دنبال مقصر باشیم و توپ مشکل را از زمین یک نفر به زمین دیگری ببندیم.

بیشترین تعداد حادثه شغلی به تفکیک عامل حادثه در سال ۹۷	بیشترین حادثه شغلی در سال ۹۷
سقوط کردن و لغزیدن	فعالیت «ساختن» ۳۷/۸٪
برخورد با اشیا و تجهیزات	فعالیت «صنعت (تولید)» ۳۴/۳٪
جایگاه استان خراسان رضوی از نظر فراوانی تعداد حادثه و آسیب‌های شغلی	فعالیت «سایر فعالیت‌های عمومی» ۱۱/۳٪

دکتر علی کاظمی دولتی / روان‌شناس

### ۲ کلید ارتقای فرهنگ: آگاهی و کسب مهارت

همه ما در پی به دست آوردن آرامش هستیم. یکی از عواملی که این آسایش را فراهم می‌سازد، احساس امنیت و ایمنی است. هر روز حوادث بسیاری به دلیل رفتارهای ما انسان‌ها رخ می‌دهد. به همین دلیل اصلاح رفتار انسان‌ها برای پیشگیری از حادثه و واپس آوردن نرخ حوادث و ارتقای ایمنی باید مورد توجه قرار بگیرد. برای پیاده‌سازی این ۲ مهم در جامعه جهت کاهش آسیب‌ها، باید آگاهی افراد را بالا ببریم تا آن‌ها تا بخواه و خط قرمزها را بشناسند و بدانند که چه باید‌ها و نباید‌هایی دارند که ملزم به رعایتشان هستند. در صورتی که آگاهی فرد ارتقا پیدا کرد، می‌تواند مهارت‌ها را کسب کند و در نتیجه از او به وجود آمدن حوادث پیشگیری خواهد کرد و در نهایت وضعیت خوب در جامعه ارتقا پیدا خواهد کرد. به یاد داشته باشید که آموزش فرهنگ ایمنی و ارتقای آن یکی از ابزارهای نیرومندی است که به واسطه آن می‌توان به اهداف بسیار بزرگی دست پیدا کرد، اما این ابزار قوی هنگامی کارایی لازم را دارد که به خوبی از آن استفاده شود. در این صورت است که هزینه‌های ناشی از حوادث کاهش خواهند یافت. دستیابی به فرهنگ ایمنی باید از مسیری عملی باشد تا ریشه‌ها و زمینه‌های آن به خوبی شناخته شوند.

نکته‌ای که همواره برای به دست آوردن و ارتقای فرهنگ بر آن تأکید می‌شود آموزش مهارت‌هاست، به خصوص مهارت حل مسئله، هوش هیجانی و مهارت ارتباط بین فردی. هنگامی که به فرد آموزش مهارت حل مسئله داده شود، هیچ‌گاه برای مشکلات و اتفاقاتی که برای او پیش می‌آید درمانده و زبون نمی‌شود؛ زیرا می‌داند در هر وضعیت باید چه کاری انجام دهد. از سوی دیگر هنگامی که فرد مدیریت هوش هیجانی دارد می‌داند که چگونه بین احساس، هیجان و منطقش رابطه سالمی برقرار کند و آن‌ها را مدیریت کند. ضلع سوم ارتقای فرهنگ، مهارت ارتباط بین فردی است. بدون شک فردی که چنین مهارتی را به دست آورده می‌داند که در ارتباط‌های مختلفی که با همکار، همسر، فرزند و... دارد باید چگونه صحبت کند تا روابطش دچار آسیب نشود. معتقدیم اگر فردی بتواند مهارت‌ها را در خود ارتقا دهد بدون شک اولین تغییر در حوزه خودش روی می‌دهد. او فردی صلح‌جو و آرام خواهد بود که به باورها و اعتقادات جامعه و خودش احترام می‌گذارد و با آن‌ها کنار آمده‌است. چنین شخصی قواعد اجتماعی را به خوبی می‌داند و به آن‌ها آگاهی دارد و در رعایت آن‌ها کوشاست. در مجموع این عوامل کمک می‌کند تا او تعارضی نداشته باشد. نکته دوم اینکه چنین جامعه‌ای یک دست است؛ زیرا همه افراد آموزش دیده‌اند. تفاوت‌های فردی دارند اما باورها و اعتقادات یکسانی دارند. بنابراین به کار بستن هرگونه تدبیر یا اعمال هر تغییر و تحولی برای بهبود فرهنگ باید با توجه به عوامل فرهنگی انجام شود؛ در غیر این صورت ممکن است نتیجه‌ای معکوس در بر داشته باشد.

ارتقای فرهنگ در گرو برنامه‌ریزی حساب شده و طولانی‌مدت است و همچنین تغییر فرهنگ که سبب پایین آمدن آسیب‌ها می‌شود نیاز به صبر و تحمل دارد؛ اما طولانی بودن راه‌راهی‌لیلی برپذیرفتن موقعیت فعلی نیست.

# اول ایمنی بعد کار

درباره ضرورت فرهنگ ایمنی که با کاهش حوادث رابطه مستقیم دارد

## اتفاقات افتادنی نیستند!

«فرهنگ ایمنی» را جایگزین «قوانین ایمنی» کنید



مترجم: عادل نجفی | کار کردن و اشتغال برای ادامه زندگی بشر ضروری است. اشتغال به پایداری خانواده‌ها و جوامع بشری کمک می‌کند. افراد خواهان مشاغلی هستند که برای آن‌ها و خانواده‌هایشان سطحی از زندگی استاندارد را فراهم آورد. کارهایی که در آن‌ها به حقوق افراد احترام گذاشته شود و در صورت بیکاری، بیماری یا آسیب‌های ناشی از محیط کار، برای ادامه زندگی مورد حمایت قرار بگیرند. اشتغال و به طور کلی زندگی در جهان امروز با وجود پیشرفت‌ها و توسعه استانداردها، همچنان با شرایط مطلوب خود فاصله زیادی دارد. هر ساله، ۲ میلیون زن و مرد جان خود را بر اثر سوانح و یا بیماری‌های ناشی از محیط کار از دست می‌دهند. همچنین کارگران هر سال ۲۷۰ میلیون حادثه کاری و همچنین ۱۶ میلیون بیماری ناشی از محیط کار در جهان را گزارش می‌کنند. آمارها و ارقامی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن و براساس گزارش‌های رسمی ارائه شده‌اند نشان می‌دهند که همچنان آگاهی درباره این مسائل بسیار پایین است. شاید پاسخ اولیه به این سؤال در این نکته باشد که جهان سالانه به تعداد اندکی از وقایع ایمنی در سطح کلان واکنش نشان می‌دهد و پس از مدتی دوباره ایمنی و قوانین آن به حاشیه فراموشی سپرده می‌شود. توجه به این آمارها از لحاظ انسانی و نیز از لحاظ اقتصادی به ما این نکته را یادآوری می‌کنند که در طول سال‌ها، قوانین برای ایجاد جوامع ایمن به تنهایی کارآمد نیستند و باید به سمت «فرهنگ ایمنی» گام برداشت.

۲ **حوادث ناشی از کار** دومین عامل مرگ و میر در ایران

۳ **سومین عامل مرگ و میر در جهان**

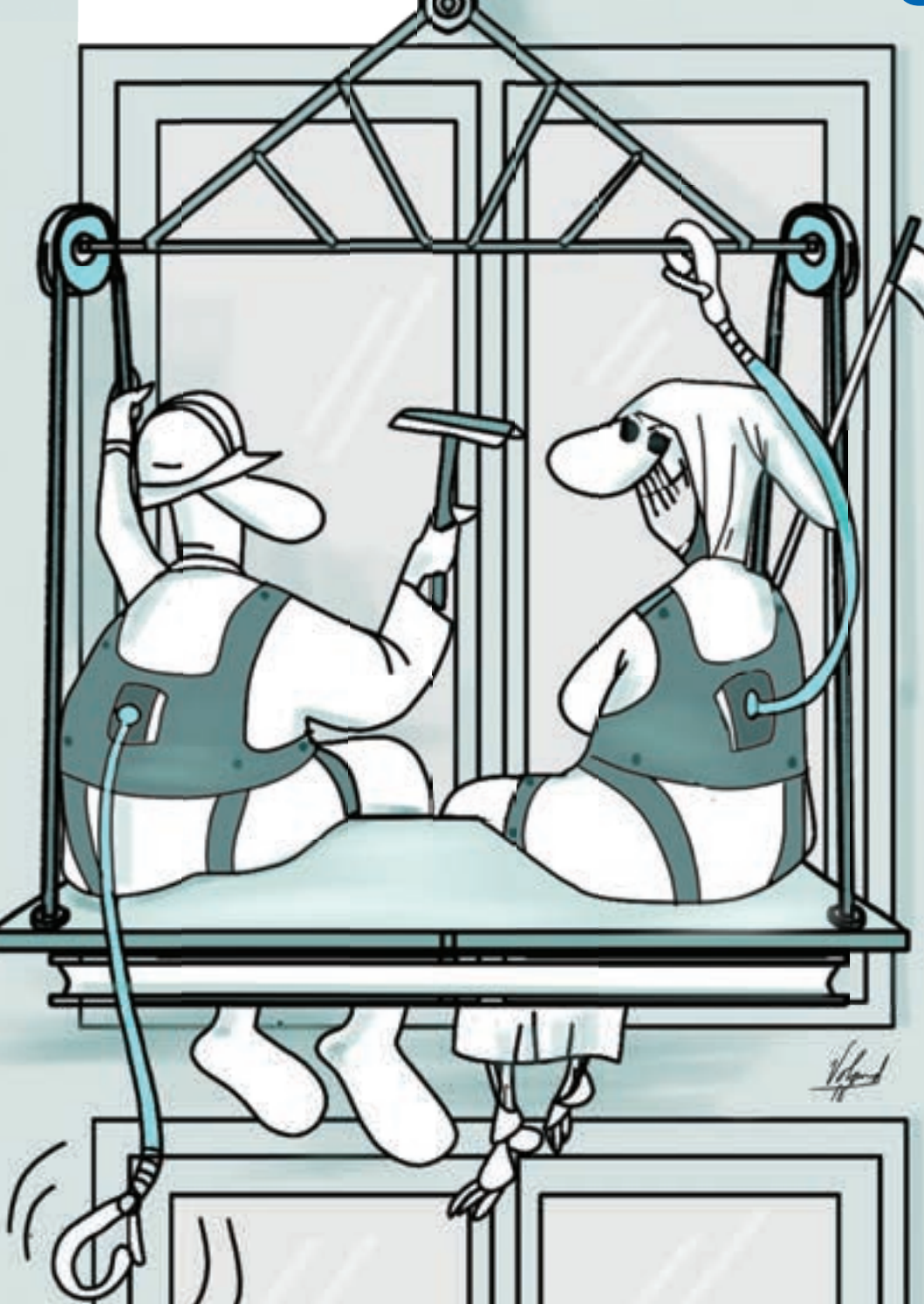
سال ۹۶ نسبت به سال ۹۷ کاهش ۶ درصدی حوادث شغلی

کاهش ۶/۶ درصدی آسیب شغلی

۹ هزار و ۹۶ نفر آسیب شغلی در سال ۹۷

۲۸/۸ درصد

۹۷/۲ درصد



### آموزش ایمنی، فرهنگ ایمنی را می‌سازد

مفاهیم مرتبط با ریسک و مدیریت آن تقریباً تمامی حوزه‌های مرتبط با آموزش‌های ایمنی را در بر می‌گیرند. در حالی که آموزش‌های ایمنی، کودکان و نوجوانان را برای موقعیت‌های خاص و مشخص آماده می‌کنند، اما آموزش‌ها در زمینه ریسک و مخاطرات، آن‌ها را برای موقعیت‌های ناشناخته یا غیرقابل پیش‌بینی نیز آماده می‌سازد. آموزش‌های ایمنی مدارس معمولاً در حوزه‌هایی مانند ایمنی تردد، ایمنی غذایی یا ایمنی در برابر مواد مخدر خلاصه می‌شوند، اما می‌توان با طرح سؤالات و ایجاد موقعیت‌های مختلف، دانش آموزان را در این حوزه‌ها نیز توانمند ساخت.

### توسعه فرهنگ ایمنی ضرورت دارد

به طور کلی «فرهنگ ایمنی» به مجموعه‌ای از باورها، مفاهیم و ارزش‌هایی که در یک جامعه در ارتباط با مخاطرات درونی آن جاری است اشاره دارد؛ این جامعه می‌تواند یک کارگاه کوچک، یک مدرسه یا یک سازمان عریض و طویل باشد که حجم حوادث و سوانح در آن جامعه ارتباط معکوسی با میزان توجه به فرهنگ ایمنی در آن دارد. فرهنگ ایمنی مطلوب با توجه به تعهد مدیران و مقامات ارشد یک جامعه به مفهوم ایمنی، اقدامات عملیاتی برای مدیریت مخاطرات و استمرار آموزش‌ها و مراقبت‌ها در خصوص مخاطرات مشترک در محیط زندگی اعضای جامعه ارزیابی می‌شود. شناسایی و ارزیابی جوامع دارای فرهنگ ایمنی مطلوب را می‌توان از طریق مقایسه میان دیدگاه‌های مدیریتی و مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی ناشی از آن انجام داد. برای نمونه تعهد مدیران ارشد به اتخاذ رویکردهای ایمنی و ملاحظات آن به توانمندسازی و تقویت نیروی کار منجر می‌شود. انجام بازرسی‌های مستمر می‌تواند روابط بهتری را میان نیروی کار و مدیران شکل دهد. ارائه آموزش‌های ایمنی به افسار مختلف جامعه، هزینه‌های بعد از حوادث را کاهش داده و کیفیت زندگی افراد را ارتقا می‌دهد.

از لحاظ تاریخی عبارت «فرهنگ ایمنی» به عنوان یک مفهوم کلان به جای آموزش صرف آن، پس از وقوع حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل در گزارش‌های مرتبط مورد استفاده قرار گرفت. در این گزارش‌ها آمده است «بررسی مجموعه ویژگی‌های رفتار سازمانی و فردی نیروهای مرتبط با سانحه چرنوبیل نشان دهنده ضعف در تشخیص اولویت‌ها و توانایی تصمیم‌گیری به موقع ناشی از نبود فرهنگ ایمنی در میان آن‌هاست». چنین وضعی را تا چه اندازه می‌توانید در حوادث و رویدادهای اطراف خود مشاهده کنید؟

سالانه بیش از دو میلیون نفر در جهان بر اثر بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند.